



ترجمه و تلخیص
غلامرضا یادگارزاده
عضو هیئت علمی
سازمان سنجش آموزش کشور

بازاندیشی در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

چرا ارزشیابی پیشرفت تحصیلی باید تغییر کند؟

به همان میزان که جامعه تغییر می‌کند، متخصصان تعلیم و تربیت این وظیفه را در خود احساس می‌کنند که مدارس ایجاد کنند تا دانش‌آموزان در آن احساس خوبی از تجربه‌ی زندگی، (حتی اگر درباره‌ی ماهیت جامعه‌ای که دانش‌آموزان در آینده با آن مواجه خواهند شد، اطمینانی وجود نداشته باشد)، داشته باشند. در طول ۵۰ سال گذشته، تغییرات گسترده‌ی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، محیطی و فناورانه به این معنی بوده است که بسیاری از جنبه‌های آموزش و تدریس، از جمله سنجش کلاسی موضوع تفحص و بازاندیشی قرار گرفته‌اند.

در طول قرن بیستم، سنجش و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به عنوان سازوکاری برای فراهم کردن نمایه‌ای از یادگیری، مورد توجه قرار گرفته است و از الگویی قابل پیش‌بینی پیروی می‌کند: به این معنی که معلمان آموزش می‌دهند، دانش‌آموزان را در موضوعات درسی آزمون می‌کنند، براساس نمرات آزمون درباره‌ی میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان قضاوت می‌کنند و پس از آن به سوی آموزش واحد کاری بعدی

اقدام

می‌کنند.

اگرچه در

سال‌های اخیر،

این رویکرد به سنجش،

به همان میزان که انتظارات

اجتماعی از آموزش و تدریس تغییر

کرده، مورد تردید قرار گرفته است، اما

علوم شناختی درباره‌ی ماهیت یادگیری،

پیش‌های جدیدی به دست داده و نقش

سنجش در انگیزش یادگیری

دانش‌آموزان به چالش کشیده شده

است.

● در گذشته، تحصیل فراتر از مهارت‌ها

و دانش اساسی، تنها مورد نیاز عده‌ی

اندکی از افراد بود. اما اکنون که

فارغ‌التحصیل شدن از دبیرستان

برای همه‌ی افراد ضروری تلقی

می‌شود، اولیای آموزش و پرورش

می‌خواهند اطمینان حاصل کنند که

فارغ‌التحصیلان در مسائل پیچیده

مانند تفکر انتقادی، حل مسئله، ارتباط

مؤثر در مواجهه با تغییرات اجتماعی،

اقتصادی و فناورانه، از مهارت و

تجربه‌ی کافی برخوردار باشند.

● برای مدت‌ها از یادگیری به معنای

تجمع خرده دانش‌های مجزایی یاد

می‌شد که

پیوسته و سلسله

مراتبی باشند و به آموزش

روشن و تقویت شده نیاز داشته

باشند؛ اما امروزه، یادگیری به عنوان

فرایند درک، شکل یافته است که در

طول آن هرکدام از افراد می‌کوشند

تا بین اطلاعات جدید و آنچه که

قبلاً می‌دانستند، ارتباط برقرار کنند؛ به

گونه‌ای که اندیشه‌ها از نوعی انسجام

فردی برخوردار باشند. این دریافت‌ها

را افراد به روش‌های متفاوت، بسته

به نوع علاقه، تجربه و سبک‌های

یادگیری خود می‌سازند.

● به صورت سنتی، مریبان تکیه بر

سنجشی داشتند که دانش‌آموزان

را با هم‌سالان موفق‌تر از آنها

مقایسه می‌کرد تا به این وسیله در

دانش‌آموزان انگیزش یادگیری ایجاد

کنند. اما اخیراً یافته‌های پژوهشی

نشان می‌دهند، دانش‌آموزان هنگامی

یادگیرندگانی برانگیخته و مطمئن

خواهند شد که پیشرفت تحصیلی

و موفقیت را تجربه کنند، نه زمانی

که شکست و ناکامی ناشی از مقایسه

شدن با هم‌سالان موفق‌تر از خود را



سنجش،
فرایندی قدرتمند
در افزایش یادگیری
دانش آموزان
و اثربخشی تدریس
است

اشاره

سنجش آموزش به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرایند تدریس و یادگیری، در دو دهه‌ی گذشته، تحولات زیادی را تجربه کرده و از لحاظ نظری و عملی بسط یافته است. در گذشته، نگاه به سنجش فقط در نمره‌دهی و یا رتبه‌بندی دانش آموزان خلاصه می‌شد، اما امروزه سنجش اهداف متنوعی دارد از قبیل: غربالگری، رتبه‌بندی، بهبود یادگیری و پاسخ‌گویی. یکی از مهم‌ترین تحولات در حوزه‌ی سنجش، برجسته شدن نقش آن در بهبود یادگیری است که از تغییر نگاه به یادگیری و توجه به یادگیرنده به عنوان مخاطب اصلی آموزش ناشی می‌شود. از این رو، مفاهیمی مانند سنجش کلاسی، سنجش تکوینی، سنجش برای یادگیری، سنجش آگاهی دهنده و ... برجسته شده و پژوهش‌های زیادی در مورد اثرات آن بر بهبود عملکرد یادگیرنده انجام گرفته است. منتقدان به نقش‌های سنتی سنجش، همواره بر این موضوع تأکید می‌کنند که نگاه به سنجش به عنوان ابزاری برای تصمیم‌گیری در مورد دانش آموزان و یا دانشجویان، به انزجار آن‌ها از سنجش و نادیده گرفتن ظرفیت آن برای بهبود نظام‌های آموزشی می‌انجامد. از این رو، برجسته کردن دامنه‌ی هدف‌ها و کارکردهای سنجش، مورد توجه جدی قرار گرفت. در این مقاله نیز تلاش شده است تا تصویری از تغییر روند سنجش کلاسی ارائه شود.

برجسته شدن اثرات سنجش بر یادگیری

شواهد قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد، سنجش، فرایندی قدرتمند در افزایش یادگیری است. بلک^۱ و ویلیام^۲ (۱۹۹۸) بیش از ۲۵۰ مطالعه‌ی مربوط به سنجش و یادگیری را ترکیب کردند و دریافتند که استفاده‌ی جهانی از سنجش در کلاس درس برای تقویت و تحکیم یادگیری، پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را افزایش می‌دهد. اگرچه، افزودن مقدار زمان سنجش، ضرورتاً یادگیری را افزایش نمی‌دهد. در عوض، هنگامی که معلمان

برای قضاوت درباره‌ی فرایند تدریس انجام می‌شود و سنجش پایانی نوعی از سنجش است که در پایان یک واحد یا نیم‌سال برای نشان دادن پیشرفت دانش آموزان به کار می‌رود. به منظور تحقق این دو هدف، مربیان تمرین‌های سنجش خود را گسترش دادند و سنجش دامنه‌ی وسیع‌تری از کارهای دانش آموزان، نظیر تکالیف عملی، کار پایان ترم (مقاله^۱) پروژه‌ها، و ارائه‌ی شفاهی را آغاز کردند؛ اگرچه در اغلب بخش‌ها، سنجش هنوز ابزار بررسی نقاط قوت و ضعف دانش آموزان محسوب می‌شود.

در مقابل می‌بیند [Stiggings 2001]. این سه تغییر در انتظارات اجتماعی و دانش ما درباره‌ی یادگیری و انگیزش، تلویحات مهمی برای کسانی که به عنوان معلم تدریس می‌کنند، آن‌چه که درس می‌دهند، و به ویژه در مورد نحوه‌ی به کارگیری سنجشی کلاسی، در بردارد.

از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، اهداف ارزشیابی پیشرفت تحصیلی گسترش یافت و اصطلاحات «سنجش تکوینی» و «سنجش پایانی»، وارد زبان تخصصی تعلیم و تربیت شد. سنجش تکوینی، سنجشی است که در طول تدریس



توجه» یا «سرامد»، «متفاوت» از بقیه‌ی کلاس تلقی می‌شدند، و بقیه‌ی افراد کلاس به عنوان یک ماهیت شناخته می‌شدند. اما بین دانش‌آموزان تفاوت‌هایی

وجود دارد که با چنین برچسب‌هایی قابل توجیه نیست. واقعیت این است که افراد یاد می‌گیرند نه کلاس‌ها. هنگامی که دانش‌آموزان یاد می‌گیرند، برای خودشان معنایی می‌سازند و به شیوه‌های متفاوت به یادگیری می‌پردازند. هرکدام از آن‌ها درک و فهم، مهارت، باور، امید، آرزو و اهداف خود را دارد. توجه به یادگیری فردی هر دانش‌آموز، مهم‌تر از صحبت درباره‌ی یادگیری «یک کلاس» است.

اعمال سنجش زمانی به یادگیری متمایز منجر خواهد شد که معلمان از آن‌ها برای جمع‌آوری شواهد به منظور حمایت از یادگیری هر دانش‌آموزی در هر روز، و در هر کلاس استفاده کنند. برای این که بتوان به مجموعه‌ی وسیعی از توانایی‌ها، انگیزش‌ها و سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان دست یافت، معلمان نیاز دارند تا حدودی استقلال کاری هر دانش‌آموز، انواع و پیچیدگی یادگیری را متمایز کنند. راهنمایی‌های برنامه‌ی درسی و برنامه‌های مطالعه پیامدهایی را برای یادگیری تدارک می‌بیند تا معلمان با استفاده از سنجش مناسب و آموزش انطباقی بتوانند به یادگیری دانش‌آموزان و کسب ادراک درباره‌ی یادگیری آن‌ها کمک کنند.

پی‌نوشت

1. Coursework
2. Black, P
3. William, W
4. Differentiating Learning

از سنجش کلاسی برای آگاهی از دانش، مهارت‌ها و باورهایی که دانش‌آموزانشان در مورد نوعی تکلیف یادگیری به دست می‌

آورند، استفاده می‌کنند، و از این دانش به عنوان نقطه‌ی آغاز آموزش بعدی بهره می‌گیرند، و بر تغییر ادراک‌های دانش‌آموزان به عنوان پیامدهای آموزش نظارت می‌کنند، سنجش کلاسی یادگیری را بهبود می‌بخشد.

هنگامی که یادگیری هدف است، معلمان و دانش‌آموزان با هم همکاری می‌کنند و از سنجش مداوم و بازخورد مناسب برای حرکت یادگیری رو به جلو استفاده می‌کنند. هنگامی که سنجش کلاسی فراوان و متنوع است، معلمان می‌توانند جزئیات زیادی درباره‌ی دانش‌آموزان خود یاد بگیرند. آن‌ها می‌توانند درک و فهمی از باورها و دانش موجود دانش‌آموزان خود به دست آورند و درک و فهم‌های ناکافی، باورهای غلط، تفسیرهای نادرست مفاهیمی را که ممکن است یادگیری را تحت تأثیر قرار دهد و یا تخریب کند نیز شناسایی کنند. معلمان می‌توانند تفکر دانش‌آموزان را در طول زمان، مشاهده و کندوکاو کنند، و ارتباط بین دانش قبلی و یادگیری جدید را تشخیص دهند.

استفاده از سنجش

برای یادگیری متمایز^۴

هر کلاس درسی شامل دانش‌آموزانی است که نیازها، پیشینه و مهارت‌های متفاوتی دارند. یادگیری هر دانش‌آموز منحصر به فرد است.

معلمان از سنجش تکوینی در طول تدریس برای قضاوت درباره‌ی فرایند تدریس‌شان استفاده می‌کنند

منابع

Rethinking classroom assessment with purpose in mind assessment for learning, assessment as learning, assessment of learning;

